



نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی

بهمن خسروی پور^۱، فاطمه رحیمی فیض آباد^۲، زهرا تیموری کوهسار^۳

چکیده

امروزه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی مواجه است از طرفی جوامع روستایی به نوعی با معضل بیکاری دست به گریبان هستند و این معضل به عنوان یکی از مهم‌ترین مشکلات اقتصادی و اجتماعی روستاها مطرح می‌باشد که رفع این مشکل تا حدود بسیار زیادی به تقویت کارآفرینی و موفقیت کارآفرینان در نواحی روستایی بستگی دارد. کارآفرینی به عنوان یک فرآیند، پدیده، نظام و راهبرد نه تنها برای جامعه‌ی گسترده‌ی روستا در پهنه‌ی سرزمین، تولید شغل می‌کند، بلکه با تقویت مهارت‌ها و ظرفیت اجتماع محلی، چرخش درآمد در روستاها را تغییر و شکل جدید می‌دهد. توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع بخشی درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است. همچنین فرصت‌های مناسبی را برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند و می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیر کشاورزی باشد. لذا هدف از انجام این پژوهش، که به صورت مروری و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی تهیه شده است، بررسی نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: کارآفرینی، کارآفرینی روستایی، توسعه پایدار

^۱ دانشیار و عضو هیأت علمی گروه ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

^۲ دانشجوی دکتری رشته ترویج کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان

^۳ دانشجوی دکتری رشته آموزش کشاورزی دانشگاه کشاورزی و منابع طبیعی رامین خوزستان



مقدمه

امروزه توسعه روستایی در کشورهای در حال توسعه با چالش‌های متعددی مواجه است چرا که، راهبردهای گذشته در زمینه توسعه روستایی کاملاً موفقیت آمیز نبوده و نتوانسته‌اند مسائلی همچون فقر، اشتغال، بهداشت، امنیت غذایی و پایداری محیط زیست را تأمین کنند. این راهبردها در توزیع منافع حاصل از رشد و توسعه نیز موفق نبوده و سبب ایجاد مشکلات متعددی در این کشورها شده است (Stockdale, ۲۰۰۶). این مسئله باعث شده است که در دهه‌های اخیر رویکرد کارآفرینی به عنوان یکی از راهبردهای توسعه روستایی مورد توجه قرار گرفته و نظریه پردازان، برنامه‌ریزان و مجریان دولتی در صدد برآیند تا با ارائه راهکارها و روش‌های جدید، از معضلات و مسائلی که این نواحی گریبانگیر آن هستند، بکاهند (Chowdhury, ۲۰۰۷). در دنیای امروز، کارآفرینی و ایجاد مشاغل نوین برای ادامه حیات و پویایی اقتصاد کشورها بسیار ضروری می‌باشد (Dahlstrand, ۲۰۰۷; Saarenketo et al, ۲۰۰۹). کارآفرینی به خاطر این که منجر به افزایش کارایی اقتصادی می‌شود، نوآوری را به بازار کار و تولید می‌آورد، مشاغل جدید ایجاد می‌کند و وضعیت اشتغال را بهبود می‌بخشد، بسیار مهم می‌باشد (Shane & Venkataraman, ۲۰۰۰). به خاطر همین اثرات مثبت کارآفرینی، در خلال دهه گذشته بسیاری از کشورهای در حال توسعه از جمله ایران به کارآفرینی به عنوان یک راه حل اساسی بالقوه برای مشکلات گوناگون پیشروی کشور از جمله نبود بهبود و کارایی در اقتصاد و افزایش نرخ بیکاری، توجه جدی مبذول داشته‌اند (کریمی، ۱۳۹۳). اهمیت کارآفرینی در توسعه روستایی در این است که زمینه‌های استفاده از آن در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است و این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی به شمار می‌آیند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگلداری، آبخیزداری و حفظ منابع طبیعی، حفظ محیط زیست، توسعه صنایع روستایی، صنایع دستی، خانگی، کارگاهی و کارخانه‌ای و گردشگری روستایی مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی هستند. تمامی اقدامات و فعالیت‌هایی که می‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد بینجامند و به بهره‌برداری مطلوب و پایدار و به طور کلی بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی یاری رسانند، در قلمرو کارآفرینی روستایی قرار می‌گیرند (کرد و آبتین، ۱۳۹۲).

سیر تاریخی تعریف کارآفرینی

جدول ۱- سیر تاریخی تعریف کارآفرینی از دیدگاه صاحب‌نظران مختلف

از نظر رابرت رونس‌تات (۱۹۸۴)	کارآفرینی روند پویایی در جهت افزایش و ایجاد سرمایه است. این کار توسط فردی انجام می‌شود که خطر از دست دادن زمان یا فرصت‌های شغلی دیگر را در جهت ارزش برای یک محصول یا خدمت می‌پذیرد.
رابرت هیسریچ (۱۹۸۵)	کارآفرینی فرایند خلق چیزی نو، با صرف وقت و تلاش بسیار و پذیرش خطرات مالی، روحی و اجتماعی برای به دست آوردن منابع مالی، رضایت شخصی و استقلال است.
مک میلان و ام. لو (۱۹۸۸)	معتقدند که کارآفرینی یعنی ایجاد شرکت‌های جدید
تراپ‌مان و مورنتیک استار (۱۹۸۹)	در کتاب نظام‌های کارآفرینانه در دهه ۱۹۹۰ می‌آورند: کارآفرینی یعنی ترکیب متفکر با مجری، کارآفرین فردی است که فرصت ارائه یک محصول، خدمات، روش و سیاست جدید یا راه تفکری جدید برای یک مشکل قدیمی را می‌یابد. کارآفرین فردی است که می‌خواهد تأثیر اندیشه، محصول یا خدمات خود را بر نظام مشاهده کند.
ویلیام بای گریو (۱۹۹۴)	معتقد است که کارآفرین فردی است که یک فرصت را در می‌یابد و برای پیگیری یک سازمان را راه‌اندازی می‌کند و فرایند کارآفرینی تمام وظایف، فعالیت‌ها و عملیاتی را که با درک فرصت و ایجاد یک سازمان به منظور پیگیری آن فرصت‌ها ارتباط می‌یابد دربر می‌گیرد.

(شاه‌حسینی، ۱۳۸۵)



تعریف کارآفرینی

کارآفرینی یکی از امور تسهیل کننده و پیش‌برنده توسعه روستایی است (ترکاشوند، ۱۳۹۳). کارآفرینی فرآیند ارتقاء تکنولوژی از طریق ایجاد و تاسیس کسب و کار یا سازمان جدید است. در این فرآیند شغل‌های تازه‌ای پدید می‌آید و نیروی کار، نیازمند مهارت‌های نوین می‌گردد و ساختارهای نوینی برای آموزش و نیز ارائه خدمات پدیدار می‌گردد (دیوسالار و نقوی، ۱۳۹۱). امروزه کارآفرینی در نقش یک راهبردر توسعه و شکوفایی و رشد جوامع انسانی، به جایگزین بی‌بدیلی تبدیل شده است که از طریق آن همه عوامل و منابع و امکانات یک جامعه به صورت خودجوش و از راه قرارگرفتن در یک روند تکاملی در جهت نیل به آرمان‌های بلند اجتماعی بسیج می‌شوند تا منشأ بسیاری از آثار و پیامدهای مثبت اقتصادی - اجتماعی گردند (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸).

نتایج مفید کارآفرینی

اقتصاددانان معتقدند که کارآفرینی سه نتیجه مفید برای جوامع دارد:

- ✓ اشتغال مفید، پایدار و مولد؛
- ✓ نوآوریهای تأثیرگذار در عرصه اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی؛
- ✓ ثروت و رفاه (کلاگر و آقای، ۱۳۹۳).

تعاریف کارآفرین

احمد پورداریانی (۱۳۷۹، ص ۹) و روبرت هیسریچ (۲۰۰۲) کارآفرین را به عنوان یک مبتکر مطرح می‌نمایند و معتقدند وظیفه کارآفرین شکل‌دهی مجدد یا تغییر اساسی در الگوی تولید از طریق دستیابی به یک اختراع جدید، دستیابی به شیوه جدید تکنولوژی، تولید یک محصول جدید، تولید یک محصول قدیمی به شیوه جدید برای محصول یا راه‌اندازی یک صنعت جدید می‌باشد (آزما و آقای، ۱۳۸۸). لگ و هایندل (۱۹۹۷) معتقدند که کارآفرین فردی است که اقدام به ایجاد یک فعالیت اقتصادی جدید می‌کند، چه به صورت یک سازمان جدید و چه به صورت کار ابتکاری در سازمان (شهرکی پور و همکاران، ۱۳۸۹). وگنر (۲۰۰۴) اصطلاح کارآفرینان را به شکل جالبی توصیف می‌کند و از آنها به عنوان کسانی که یک راه شغلی را به فعالیت درآورد و خوداشتغالی ایجاد می‌کنند. این افراد باید آمادگی و تمایل به حرکت از اشتغال به سوی خوداشتغالی را داشته باشند. در حقیقت می‌توان گفت کارآفرینان نوظهور همان آغازگران فرایند کارآفرینی هستند که سبب ایجاد تجارت نو و پویا گردیده‌اند (عسگریان دهکردی، ۱۳۸۹).

ویژگیهای کارآفرین

جدول زیر ویژگی‌های افراد کارآفرین را نشان می‌دهد. این فهرست که شامل ۱۹ صفت بارز در کارآفرینان می‌باشد در گرد همایی کاربردی کارآفرینی در سال ۱۹۷۷ میلادی تهیه شده و مورد پذیرش قرار گرفته است که تا به امروز نیز اعتبار خود را حفظ کرده است.



جدول ۲- ویژگی‌های بارز افراد کارآفرین

ویژگی‌های عمومی	صفت بارز
خود باوری	- اعتماد بنفس - استقلال رای - خوش‌بینی
میل به نتیجه	- نیاز به کامیابی - منفعت‌شناسی - ایستادگی، پشتکار، اراده - پیش‌قدمی
ریسک‌پذیری	- توانایی ریسک‌پذیری - اشتیاق به کارهای بزرگ
هوایت و رهبری	- رفتار هدایت‌گرانه - مردم‌مداری - انتقاد‌پذیری
خلاقیت	- نوآوری، ابتکار - انعطاف‌پذیری - تدبیر و کاردانی - تغییر‌پذیری
آینده‌نگری	- دور اندیشی - قدرت درک

(شاه‌حسینی، ۱۳۸۵)

کارآفرینی کشاورزی

کارآفرینی کشاورزی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت تغییر الگوی زندگی و فعالیت کنونی (که معیشتی و آسیب‌پذیر است) به الگویی مطلوب و شایسته انسانی و وسیله‌ای برای ایجاد برابری اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی و سرانجام ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار به شمار می‌آید (سجاسی قیداری و همکاران، ۱۳۹۰). در واقع، کارآفرینی کشاورزی می‌تواند صرف نظر از این که یک منبع درآمد و اشتغال برای ساکنین روستا باشد در توسعه اقتصادی روستا و در نهایت توسعه روستایی مؤثر باشد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). کارآفرینی در کشاورزی به عواملی مانند شرایط منطقه، خصوصیات مزرعه و مقدار محصول بستگی دارد. شکاف وسیع‌تر میان مناطق روستایی و شهری در کشورهای در حال توسعه و چیرگی صنعت بر کشاورزی و گرایش استراتژی‌ها و سیاست‌های توسعه به سمت صنعت، همراه با ویژگی‌های اقتصادی-اجتماعی جامعه روستایی و کشاورزی باعث شده است تا کارآفرینی کشاورزی کمتر رشد داشته باشد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳).

خصوصیات کارآفرین کشاورزی

- یک کارآفرین بخش کشاورزی برای این که بتواند نقش مؤثرتری در توسعه کشاورزی ایفا کند و در این راستا به حداکثر سود نیز دست یابد، می‌بایست خصوصیات ذیل را داشته باشد:
- ✓ جلوگیری از اتلاف منابع (مدیریت بهره‌وری)
 - ✓ تولید کالای باکیفیت (مدیریت کیفیت)
 - ✓ تولید در مدت زمان کمتر (مدیریت زمان)
 - ✓ برخورد بهتر و سریع‌تر با موانع و محدودیت‌ها (مدیریت راهبردی)



- ✓ کشف و بهره‌برداری از منابع جدید (خلاقیت و نوآوری)
- ✓ داشتن قوه پیش بینی و در صورت لزوم سرمایه‌گذاری بیشتر (آینده‌نگری و برنامه‌ریزی)
- ✓ بهره‌برداری صحیح از منابع (مدیریت بهره‌وری). (ربیعی منفرد و همکاران، ۱۳۸۹ به نقل از کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳).

مزایای کارآفرینی در بخش کشاورزی

- ✓ سازگاری توسعه اشتغال با پراکندگی توزیع جمعیت روستایی
- ✓ اقتصادی‌تر بودن ایجاد اشتغال در بخش کشاورزی نسبت به صنعت
- ✓ سهولت بیشتر ادغام بخش کشاورزی در بازارهای جهانی
- ✓ قابلیت ارتقای کیفی نظام تولید کشاورزی در سطح امکانات موجود
- ✓ نیاز به نسبت کمتر شاغلان کشاورزی به آموزش‌های حرفه‌ای و تخصصی
- ✓ نگهداری جمعیت روستایی در روستاها
- ✓ قابلیت تکاثری کارآفرینی در بخش کشاورزی (عبودی، ۱۳۹۰ به نقل از کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳).

کارآفرینی می‌تواند با خلق فرصت‌های جدید اشتغال و درآمد، نقش مؤثری در بهبود وضع اقتصادی و معیشتی روستاها داشته باشد (طوسی و همکاران، ۱۳۹۳). در واقع، کارآفرینی به عنوان یک عنصر عمل می‌کند که ضمن افزایش رشد از طریق شکل‌گیری کسب و کار، مشوق‌های مالیاتی و جذب کارکنان خلاق جوان؛ موجب بالا رفتن استانداردهای زندگی می‌شود. همچنین کارآفرینی رشد محلی را به دنبال دارد، از این رو در مناطق روستایی مهم است (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴).

آموزش کارآفرینی

اهمیت و ضرورت آموزش کارآفرینی

با توجه به دو برابر شدن جمعیت ایران در ۲۸ سال گذشته، بیشتر کسانی که در سال‌های بعد از انقلاب متولد شده‌اند، به سرعت به جمع متقاضیان کار می‌پیوندند و این افراد بر اساس ارائه سازمان برنامه‌ریزی کشور و وزارت کار و امور اجتماعی اغلب از مدارج بالاتر دانشگاهی برخوردار هستند. این در حالی است که عصر حاضر را عصر فراصنعتی یا اطلاعاتی می‌نامند، به طوریکه سرعت تغییر و تحولات به گونه‌ای است که از آن به عنوان شگفتی‌های سرعت و تحولات نام می‌برند. در این دوره از اهمیت کار یدی، اشتغال و حتی زندگی به شیوه عصر سنتی و صنعتی کاسته شده است و به جای آن، نیروی انسانی کیفی که توان خلاقیت و نوآوری با بکارگیری فکر و اندیشه را دارد، اهمیت پیدا کرده است. پس واضح است که نیروی انسانی با منشا ایده و اندیشه خلاق و هم چنین، با خصیصه‌های ارزش آفرینی و کارآفرینی که محصول دستگاه آموزش عالی است باید خود دارای برنامه‌های جامع الاطرافی برای کارآفرینی باشد (حسینی لرگانی و همکاران، ۱۳۸۷). به بیان دیگر ارتباط مستقیمی بین پیشرفت فناوری و ضرورت آموزش کارآفرینان وجود دارد. گرچه در سال‌های گذشته اختراع جایگاه ویژه‌ای در توسعه کشورها داشته است، اما امروز کارآفرینی از عوامل مهم رشد و توسعه اقتصادی بشمار می‌آید. به طوریکه در غرب و برخی کشورهای دیگر، دو دهه اخیر دهه‌های طلایی کارآفرینی نام گرفته‌اند. در اکثر کشورهای پیشرفته و در حال توسعه، مقوله کارآفرینی به عنوان اصلی‌ترین منبع توسعه مورد نظر قرار گرفته است. با توجه به افزایش رشته‌های دانشگاهی مرتبط با کارآفرینی در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه اهمیت نظام آموزشی و پرورشی در توسعه کارآفرینی و تربیت کارآفرینان بیشتر مشخص می‌شود. امروزه دوره‌های آموزش کارآفرینی نه تنها جای خود را در طرح دروس دانشگاهی در رشته‌های مختلفی باز کرده است، بلکه در دوره‌های مختلف تحصیلی از ابتدایی تا دبیرستان مورد توجه قرار گرفته است (اکبری، ۱۳۸۵).

آموزش کارآفرینی فرآیندی نظام‌مند، آگاهانه و هدف‌گرا است که به صورت خلاق افرادی که گرایش بیشتری به راه اندازی کسب و کار مستقل دارند را تربیت می‌کند (سعیدی و مهتدی، ۱۳۸۷ به نقل از گلدوست و همکاران، ۱۳۹۳).



در این نوع آموزش بر ارتقای مهارت‌های علمی و فنی مورد نیاز برای راه اندازی و اداره‌ی کسب و کار استفاده می‌شود تا بر پایه نوع فعالیت، باعث افزایش، بهبود و توسعه نگرش‌ها، مهارت‌ها و توانایی‌های افراد غیر کارآفرین شود. این گروه از فعالیت‌ها، مهارت‌هایی چون گرایش به استقلال، فرصت‌جویی، ابتکار، خطر پذیری، تعهد به کار، گرایش به حل نارسایی‌ها و لذت بردن از نبود قطعیت و ابهام را ارتقاء داده، تا شمار افراد علاقمند به راه اندازی طرح‌های کارآفرینی متکی به خود و آگاه به فرصت‌ها در جامعه افزایش یابد. این افراد شامل پیشروان در فعالیت‌ها، ماجراجویان، جسوران، مبتکران، فرصت‌طلبان، جاه طلبان و ارتقا جویان هستند. مهارت‌های مدیریتی شامل مدیریت مالی، بازاریابی، برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداری و امور کارکنان، مهارت‌های کارآفرینی شامل توانایی تشخیص و استفاده از فرصت‌های جدید در بازار و ارایه راه‌حل‌های نوآورانه در رویارویی با چالش‌ها و در نهایت مهارت‌های کارکنان شامل خوداتکایی، اعتماد به نفس، خلاقیت، مسئولیت‌پذیری و غیره است که در آموزش کارآفرینان تأکید می‌شود (گلدوست و همکاران، ۱۳۹۳).

نکته‌ی مهم و قابل توجه در آموزش کارآفرینی این است که در آن، روش‌های رسمی و غیررسمی آموزش با هم ترکیب می‌شوند. روش‌های رسمی آموزش کارآفرینی چارچوب‌های نظری را برای افراد فراهم می‌کنند و روش‌های غیر رسمی آموزش کارآفرینی بر مهارت، نگرش و رفتار تمرکز کرده موجب ارتقای مهارت، توسعه نگرش و تغییر رفتار افراد می‌شوند و آموزش کارآفرینی، آگاهی و درک افراد در مورد فرآیند آغاز کسب و کار و روش اداره آن را افزایش می‌دهد (کردنائیچ و همکاران، ۱۳۸۶ به نقل از گلدوست و همکاران، ۱۳۹۳).

گاراوان و اوسینید با بررسی برنامه‌های آموزشی کارآفرینی، محتوای آن را در قالب سه محور کلی مفهوم‌سازی نمودند:

- ۱- در برنامه‌های مرحله‌ی شکل‌گیری کسب و کارها، بر کسب دانش در حوزه‌هایی همچون اطلاعات دانشی و زمینه‌ای در دنیای کسب و کار، ماهیت کارآفرینی، ویژگی‌های تیم‌های اثربخش و ماهیت تعاملات و فعالیت‌های کسب و کار تأکید می‌شود.
- ۲- برنامه‌های مرحله توسعه کسب و کار بر مهارت‌ها و نگرش‌ها تأکید دارد؛ موضوعات محتوایی همچون برنامه‌ریزی کسب و کار، انتخاب بازار، برنامه‌ریزی مالی، شناسایی محصول و دریافت هدایای مالی؛
- ۳- برنامه‌های مرحله اجرای کسب و کار بر دانش‌ها و نگرش‌های کلی متمرکز است. برنامه‌هایی همچون برنامه‌ریزی مالی، مدیریت رشد کسب و کار، کارکردها و نگرش‌های مدیریت و تبادل اطلاعات از کارآفرینان به مدیران (زارع احمدآبادی و عربشاهی، ۱۳۹۰).

کارآفرین روستایی

کارآفرین روستایی به کسانی اطلاق می‌شود که با داشتن ویژگی‌های روان شناختی منحصر به فرد مانند احساس نیاز به انجام کارهای بزرگ، بهره‌مند از هوش کافی، تأثیرگذار بر دیگران، عملگرا، تمایل به انجام کارهای ابداعی و نه انطباقی، واقع‌گرا، مقاومت در برابر شکست، مسئولیت‌پذیر، اعتماد به نفس، زمان شناس، امیدواری دائمی به کسب موفقیت و تمایل نسبی به پذیرش ریسک اقدام به تولید ارزش در مناطق روستایی می‌کند (حیدری ساریان، ۱۳۹۴). کارآفرینان روستایی در طی فرایند کارآفرینی خود و با راه اندازی و توسعه کسب و کاری جدید نقش مهمی در توسعه اقتصاد روستایی ایفا می‌کنند. کاهش بیکاری و افزایش نرخ اشتغال، افزایش درآمد و رفاه مردم محلی، افزایش تولیدات و خدمات و در نهایت، کاهش مهاجرت از جمله پیامدهای مثبت و مؤثر در ایجاد مشاغل جدید در نواحی روستایی است (عبدالله-زاده و همکاران، ۱۳۹۳).

کارآفرینی روستایی

همانند کارآفرینی، کارآفرینی روستایی هم برای افراد مختلف معانی متفاوت دارد. اما بدون توجه به بعد معناشناسی، تعریف ساده کارآفرینی روستایی می‌تواند این باشد: "کارآفرینی در نواحی روستایی" (کریمی، ۱۳۹۳). مناسب ترین تعریف کارآفرینی روستایی این گونه تشریح می‌گردد: نیرویی که سایر منابع را برای پاسخ‌گویی به تقاضای بی‌پاسخ بازار بسیج می‌کند، توانایی خلق و ایجاد چیزی از هیچ و فرایند خلق ارزش به وسیله امتزاج مجموعه واحدی از منابع برای بهره‌گیری از یک فرصت. چنین تعریفی از کارآفرینی با هر نوع ساخت-مندی عوامل تولید مرتبط بوده و مانع بروز فناوری‌های نوآورانه نمی‌گردد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). در اصل، کارآفرینی روستایی هیچ تفاوتی



با مفهوم عام کارآفرینی ندارد؛ فقط شرایط خاص مناطق روستایی از جمله بالاتر بودن ریسک، کمبود امکانات و ضعف مدیریت در این نواحی، باعث می‌شود که زمینه‌های کارآفرینی در این نواحی با سایر نواحی و فعالیت‌ها متفاوت باشد (طوسی و همکاران، ۱۳۹۳). کارآفرینی روستایی راهکاری جدید در نظریه‌های توسعه برای توانمندسازی و ظرفیت‌سازی در مناطق روستایی در جهت کاهش شکاف شهر روستا، ایجاد فرصت‌های برابر اقتصادی، اجتماعی، محیطی و نهادی می‌باشد و ابزاری مهم برای رسیدن به توسعه پایدار است (رکن الدین افتخاری و همکاران، ۱۳۸۹؛ کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). در واقع، کارآفرینی روستایی، به عنوان اساسی‌ترین رکن در توسعه روستایی در راستای اشتغال‌زایی، انتقال فناوری، ترغیب و تشویق سرمایه‌گذاری، افزایش رفاه و غیره از جنبه‌های گوناگون مدنظر است (حیدری ساربان، ۱۳۹۲). به عبارتی، توسعه کارآفرینی روستایی پتانسیلی برای کمک به تنوع‌بخشی به درآمد و میزان تولیدات کشاورزی و غیرکشاورزی روستاییان است. همچنین فرصت‌های مناسبی برای کاهش ریسک معیشتی و افزایش امنیت غذایی پایدار در مناطق روستایی فراهم می‌کند و می‌تواند یکی از زمینه‌های مناسب برای ایجاد اشتغال در بخش‌های کشاورزی و غیرکشاورزی باشد (ولائی و همکاران، ۱۳۹۴). از طریق کارآفرینی روستایی می‌توان با شناسایی مزیت‌ها، ظرفیت‌ها و محدودیت‌های جوامع روستایی بر اساس برنامه‌ریزی رهبردی مناسب، به توسعه اقتصادی روستایی دست زد (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴).

چالش‌های کارآفرینی روستایی

چالش‌های کارآفرینی روستایی به شرح زیر می‌باشند:

- ✓ **منابع انسانی:** دسترسی به نیروی کار ماهر که حاضر به کار کردن در مناطق روستایی باشند، یکی از موانع کسب و کارهای روستایی می‌باشد.
- ✓ **کاهش جمعیت و بازار محلی کوچک:** کاهش جمعیت در نواحی روستایی، مشکلات متعددی نظیر کمبود نیروی کار و کاهش سطح خدمات را به وجود می‌آورد.
- ✓ **دور بودن نواحی روستایی:** دور بودن و پراکنده بودن روستاها باعث محدودیت دسترسی به منابع انسانی و اطلاعاتی، بازارهای بزرگ برای خرید و فروش نهاده‌ها و تولیدات و مؤسسات حمایت‌کننده کسب و کارهای کوچک می‌شود.
- ✓ **منابع مالی:** عدم دسترسی به منابع مالی مشکل دیگری است که اکثر کارآفرینان روستایی در کشورهای در حال توسعه از جمله ایران با آن روبرو هستند.
- ✓ **رقابت پذیری:** کسب و کارهای کوچک نسبت به ورود کسب و کارهای بزرگ به بازار آسیب پذیر هستند.
- ✓ **زیرساخت ارتباطات و حمل و نقل:** دوردستی نواحی روستایی برای کسب و کارهای کوچک چالش حمل و نقل را به وجود می‌آورد.
- ✓ **قوانین و مقررات:** به طور کلی، قوانین و مقررات دولتی در ایران مشوق راه‌اندازی و توسعه کسب و کار، به ویژه در نواحی روستایی نیستند.
- ✓ **موانع اجتماعی - فرهنگی:** جامعه به طور کلی نسبت به کارآفرینی و داشتن شغل آزاد در مقایسه با مشاغل دولتی و یا کارمند بودن، نگرش منفی دارد.
- ✓ **فرصت‌های کارآفرینی روستایی:** علی‌رغم چالش‌های مذکور، نواحی روستایی مزایای متعددی برای تأسیس انواع کسب و کارها فراهم می‌کنند.
- ✓ **مزایای زیرساختی:** اگرچه ممکن است دورافتادگی و انزوای نواحی روستایی مشکلاتی را از لحاظ حمل و نقل ایجاد کند، اما از طرف دیگر استفاده کارآمد از فناوری‌ها، گزیدارهایی را به کارآفرینان ارائه می‌دهد که می‌توانند به آسانی بر این موانع غلبه کنند.
- ✓ **فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات:** فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات می‌توانند فرصت‌های بی‌نظیری را برای کسب و کارهای کوچک در مناطق روستایی فراهم نمایند.



✓ **منابع و مناظر طبیعی و کیفیت زندگی:** منابع و مناظر طبیعی غنی می‌توانند فرصت‌های اقتصادی جدید را هم برای صنعت و هم تفریح و سرگرمی فراهم آورند.

✓ **ارزان بودن زمین و هزینه‌های اولیه ساختمان:** هزینه‌های مربوط به زمین و ساختمان در نواحی روستایی و شهرهای کوچک‌تر بسیار ارزان‌تر از شهرهای بزرگ می‌باشد.

✓ **فرهنگ و سنن محلی:** کارآفرینان روستایی می‌توانند از ویژگی‌های منحصر به فرد محلی جهت متمایز کردن و بازاریابی محصولات/خدمات خود بهره ببرند.

✓ **شبکه‌های کسب و کار:** به خاطر روابط نزدیک بین ساکنین نواحی روستایی، محققان معتقدند که در این نواحی شبکه بندی کسب و کار آسان‌تر و کارآتر می‌باشد (کریمی، ۱۳۹۳).

پوررجب میان‌دوآب (بی‌تا) معتقد است، مهم‌ترین چالش‌های پیش روی کارآفرینی روستایی در ۴ عرصه تامین منابع مالی و اعتباری، آموزش و مهارت‌آموزی، نقش دولت و اشتغال زنان می‌باشند.

از طرفی، یکی از مسائل زیربنایی جهت توسعه کارآفرینی، موضوع روحیه کارآفرینی است. داشتن روحیه کارآفرینی از مهم‌ترین عوامل مؤثر در موفق بودن یک فرد یا یک جامعه در مسیر کارآفرینی است. برای رسیدن به روحیه کارآفرینی قوی نیاز به پرورش و تقویت ویژگی‌های کارآفرینی است. داشتن روحیه کارآفرینی یکی از چالش‌هایی است که همواره پیش روی کارآفرینی چه در شهرها و چه در روستاها بوده است. بسیاری از افراد به این صورت استنباط می‌کنند که تنها تفکر در مورد یافتن فرصت‌های شغلی می‌تواند در کارآفرین بودن افراد کمک کند. اما این نکته را نادیده در نظر می‌گیرند که تقویت ویژگی‌های کارآفرینی و در کل تقویت روحیه کارآفرینی به عنوان اساس و پایه فعالیت‌های کارآفرین، می‌تواند بیش از پیش در پیشبرد اهداف کارآفرین موفق واقع شود (ایزدی و عطایی، ۱۳۹۲).

نقش کارآفرینی روستایی در توسعه پایدار روستایی

روستاها به عنوان کوچک‌ترین واحد اجتماعی در هر جامعه‌ای، از اهمیت ویژه‌ای برخوردارند. بی شک تلاش برای کاهش مسائل و مشکلات این واحدهای اجتماعی و استقرار مناسب آن‌ها در چرخه توسعه، مستلزم توجه‌ای ویژه است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). دانشمندان و صاحب‌نظران توسعه معتقدند که ریشه بسیاری از مشکلات کشورهای در حال توسعه و جهان سوم از جمله مشکلات شغلی و بیکاری در توسعه نیافتگی روستاهای آن‌ها است. نقش و جایگاه روستاها در فرایندهای توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس‌های محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی و پیامدهای توسعه نیافتگی مناطق روستایی، ضرورت توجه به توسعه روستایی و حتی تقدم آن بر توسعه شهری را آشکار می‌سازد (راسخی و همکاران، ۱۳۹۴). توسعه روستایی یعنی بهبود کیفیت زندگی همه مردم به ویژه مردمان کم درآمد. این امر از طریق بهبود وضعیت کشاورزی، درمانی و بهداشتی، فناوری، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و آموزشی و نیز تقویت ساختارهای مشارکتی در جامعه تحقق‌پذیر است. اما نقطه شروع باید از خود مردم باشد؛ یعنی همان کسانی که از دانش ذاتی پدیده‌ها و شرایط پیرامون خود برخوردارند و از آنها متأثر می‌شوند. زمانی که آژانس‌ها و سازمان‌های توسعه برای بهبود استانداردهای زندگی مردمان روستایی تلاش می‌کنند، ضروری است شرایط و سوابق اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، بوم‌شناختی و سیاسی در نظر گرفته شود و تا زمانی که این تلاش‌ها بدون توجه به نظرات کشاورزی و منابع آنها انجام گیرد، سرمایه‌گذاری‌ها و برنامه‌های توسعه به نتیجه نخواهد رسید (فاضل بیگی و یآوری، ۱۳۸۸). در واقع، توسعه روستایی اصولاً به معنای تغییر شکل اساسی در همه ابعاد اقتصادی، اجتماعی و روابط انسانی در روستاها است که به تدریج شرایط زندگی مردم روستا را بهبود بخشیده و عامه مردم روستا از مواهب آن بهره‌مند می‌شوند. برنامه‌های توسعه روستایی باید به مواردی همچون ایجاد اشتغال در بخشهای کشاورزی و غیر کشاورزی، توسعه اجتماعی، کاهش مهاجرت به شهرها، افزایش سطح رفاه و آموزش و تربیت نیروی انسانی ماهر توجه داشته باشد (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). در این راستا، صاحب‌نظران بین‌المللی بر این باورند که جدا از سیاستها و استراتژیهای کلان توسعه و توسعه‌ی اقتصادی، باید به طور ویژه و مشخص به امر توسعه‌ی روستاها و ریشه‌کنی فقر گسترده‌ی حاکم بر آن‌ها نیز پرداخت (کرد و آبتین، ۱۳۹۲). چرا که جوامع روستایی به نوعی با معضل بیکاری دست به گریبان هستند و ابعاد این معضل، بخش‌های اقتصادی، اجتماعی و حتی سیاسی را نیز متأثر ساخته است و این معضل به عنوان یکی از مهمترین مشکلات اقتصادی و



اجتماعی روستاها مطرح می‌باشد که رفع این مشکل تا حدود بسیار زیادی به تقویت کارآفرینی و موفقیت کارآفرینان در نواحی روستایی بستگی دارد (حیدری ساریان، ۱۳۹۴). در واقع، به دلیل بیکاری زیاد در نواحی روستایی، برای رسیدن به توسعه‌ی پایدار و همه جانبه و نیز برای کاهش فقر و جلوگیری از مهاجرت بی‌رویه‌ی روستاییان به شهرها، چنین ایجاب می‌شود که به مقوله‌ی توسعه‌ی کارآفرینی روستایی توجهی ویژه شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۲).

امروزه توجه به روحیه کارآفرینی بین روستاییان و از جمله کشاورزان از مهم‌ترین راه کارهای توسعه روستایی محسوب می‌شود. اگرچه کارآفرینی تنها راه کار اشتغال‌زایی و افزایش درآمدهای مردم روستایی نیست، اما قطعاً بهترین و بهره‌ورترین نوع آن است (کلاگر و آقایی، ۱۳۹۳). کارآفرینی به عنوان موتور رشد اقتصادی، بهره‌وری، نوآوری و اشتغال‌زایی شناخته شده است و یکی از ابعاد مهم پویایی اقتصادی محسوب می‌شود. کارآفرینی می‌تواند با توجه به اثرات مثبت خود، در زمینه حل این مشکلات نقش مهمی ایفا نماید. به همین دلیل، در چند سال اخیر بحث احیا و پویاسازی مجدد نواحی روستایی از طریق ارتقا و توسعه کارآفرینی توجه زیادی را به خود جلب نموده است و در واقع بسیاری از کارگزاران توسعه روستایی به کارآفرینی به عنوان یک راهبرد توسعه پایدار روستایی می‌نگرند (کریمی، ۱۳۹۳). توسعه روستاها در مقایسه با گذشته، پیوند گسترده‌تری با مفهوم کارآفرینی یافته است. در حال حاضر مؤسسات و اشخاص صاحب نظر در توسعه روستایی، ایجاد کارآفرینی را به عنوان شیوه‌ای مداخله جویانه در توسعه می‌دانند که قادر است روند توسعه روستاها را تسریع کند. در این شیوه، به ضرورت ارتقای کارآفرینی در روستاها نیز توجه می‌شود؛ به گونه‌ای که سازمان‌های توسعه، کارآفرینی روستایی را همانند پتانسیلی برای ایجاد فرصت‌های وسیع شغلی تلقی می‌نمایند، سیاستمداران آن را به عنوان راه‌حل کلیدی جلوگیری از آشفتگی روستایی شناخته، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی در نظر می‌گیرند و زنان آن را به عنوان امکان کار در مجاورت منزلشان تلقی می‌کنند که این شیوه، استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آنان را به حمایت‌های جامعه موجب می‌شود (تقدیسی و همکاران، ۱۳۹۴). در واقع، اهمیت کارآفرینی در توسعه روستایی در این است که زمینه‌های استفاده از آن در نواحی روستایی بسیار گسترده و متنوع است و این نواحی، محیط بکری برای بروز کارآفرینی به شمار می‌آیند. فعالیت‌های مربوط به بخش کشاورزی از جمله زراعت، باغداری، پرورش انواع دام و طیور، زنبور عسل و فعالیت‌های جنگلداری، آبخیزداری و حفظ منابع طبیعی، حفظ محیط زیست، توسعه صنایع روستایی (صنایع دستی، خانگی، کارگاهی و کارخانه‌ای) و گردشگری روستایی مهم‌ترین زمینه‌های بروز کارآفرینی در نواحی روستایی هستند. تمامی اقدامات و فعالیت‌هایی که می‌توانند مستقیم یا غیرمستقیم به ایجاد اشتغال و افزایش درآمد بینجامند و به بهره‌برداری مطلوب و پایدار و به طور کلی بهبود کیفیت زندگی در نواحی روستایی یاری رسانند، در قلمرو کارآفرینی روستایی قرار می‌گیرند (راسخی و همکاران، ۱۳۹۴).

نتیجه‌گیری

روستاها در عصر حاضر با تحولات و تهدیدات گسترده‌ای روبرو هستند، از این رو تضمین و تداوم حیات و بقا روستاها نیازمند یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های جدید مقابله با مشکلات می‌باشند که به نوآوری، ابداع، خلق محصولات، فرایندها و روش‌های جدید بستگی دارد. برای نیل به این هدف، مدیران باید به روش‌هایی روی آورند که متناسب با شرایط مکانی و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های روستاها باشد. کارآفرینی یکی از روش‌هایی است که فرصت‌های جدیدی را برای کارآفرینان ایجاد می‌کند که می‌توانند درآمدها را بهبود بخشند، دارایی و سرمایه خود را افزایش دهند و روی هم رفته استاندارد زندگی در جوامع روستایی را در نتیجه تشکیلات اقتصادی جدید در کسب و کارهای کوچک و متوسط رشد دهند. در واقع، کارآفرینی روستایی را پتانسیلی برای تنوع و ایجاد فرصت‌های وسیع شغلی تلقی می‌نمایند، سیاستمداران آن را به عنوان راه‌حل کلیدی جهت جلوگیری از آشفتگی روستایی، کشاورزان آن را به عنوان ابزاری برای بهبود درآمدهای کشاورزی و زنان آن را به عنوان امکان کار در مجاورت منزلشان تلقی می‌کنند، که این شیوه، استقلال، عدم وابستگی و کاهش نیاز شدید آن‌ها را به حمایت‌های جامعه موجب می‌شود. البته برای تمامی این گروه‌ها، ایجاد کارآفرینی و اشتغال، وسیله‌ای برای بهبود کیفیت زندگی افراد، خانواده‌ها و اجتماعات مورد نظر می‌باشد که نتیجه تعامل آن ایجاد محیط و اقتصاد سالم می‌باشد. لذا، ارتباطی تنگاتنگ بین کارآفرینی روستایی و توسعه پایدار روستایی با در نظر گرفتن کارآفرینی به عنوان قابلیت با اثر مثبت بر روی جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و محیطی منطقه



تقویت می‌شود، توسعه این قابلیت‌ها به تقویت فرهنگ و هویت محلی، تنوع‌بخشی به فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدمات روستایی، حفظ جمعیت روستایی با کمترین آسیب‌رسانی به محیط روستایی منجر می‌شود.

منابع

- آزما، ف. و آقایی، ج. (۱۳۸۸). رابطه بین ساختار سازمانی و کارآفرینی سازمانی در سازمان جهاد کشاورزی استان خراسان شمالی. *پژوهشنامه تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد بجنورد*، شماره ۲۱.
- ایزدی، ن. و عطایی، پ. (۱۳۹۲). کارآفرینی روستایی و نقش ترویج و آموزش کشاورزی در توسعه آن. *فصلنامه نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی*، دوره ۱۱، شماره ۴۰، صص ۳۴-۳۰.
- ترکاشوند، ز. (۱۳۹۳). استراتژی توسعه مشارکتی کارآفرینی روستایی مورد مطالعه: بخش‌های زند و سامن (شهرستان ملایر). *فصلنامه علمی - پژوهشی و بین‌المللی انجمن جغرافیای ایران*، دوره ۱۲، شماره ۴۲، صص ۲۷۵-۲۵۷.
- تقدیسی، ا.، هاشمی، ص. و هاشمی، م.م. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل موثر در زمینه‌های توسعه کارآفرینی نواحی روستایی. *فصلنامه جغرافیا و مطالعات محیطی*، دوره ۴، شماره ۱۴، صص ۹۸-۸۳.
- حسینی لردگانی، م.، میرعربرضی، ر. و رضایی، س. (۱۳۸۷). آموزش کارآفرینی در هزاره جدید؛ زیرساختی برای اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی.
- حیدری ساریان، و. (۱۳۹۲). نقش توانمندسازی روانشناختی بر تقویت کارآفرینی روستایی (مطالعه‌ی موردی: استان اردبیل). *مجله جغرافیا و توسعه‌ی ناحیه‌ای*، دوره ۸، شماره ۲۰، صص ۲۳۷-۲۱۷.
- حیدری ساریان، و. (۱۳۹۴). بررسی عوامل موثر بر موفقیت کارآفرینان روستایی استان اردبیل. *جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۸، صص ۱۶۸-۱۵۱.
- دیوسالار، ا. و نقوی، م.ر. (۱۳۹۱). بررسی عوامل موثر در موفقیت کارآفرینان روستایی از بعد اجتماعی نمونه موردی: دهستان میانکاله شهرستان بهشهر. *مجله آمایش جغرافیایی فضا، فصلنامه علمی - پژوهشی دانشگاه گلستان*، صص ۹۴-۷۵.
- راسخی، ب.، قمبرعلی، ر. و علی بیگی، ا. (۱۳۹۴). ارزیابی شایستگی‌های کارآفرینان روستایی شهرستان کرمانشاه و شناسایی عوامل موثر بر آن. *پژوهش‌های روستایی*، دوره ۶، شماره ۳، صص ۴۸۲-۴۵۹.
- رکن‌الدین افتخاری، ع.، سجاسی قیداری، ح. و رضوی، ح. راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی: مطالعه‌ی موردی روستاهای شهرستان خدابنده. *فصلنامه روستا و توسعه*، دوره ۱۳، شماره ۳، صص ۲۹-۱.
- زارع احمدآبادی، ح. و عربشاهی، ش. (۱۳۹۰). الزامات آموزش کارآفرینی زنان روستایی (مورد: زنان روستایی یزد). *دو فصلنامه علمی - ترویجی بانوان شیعه*، دوره ۸، شماره ۲۶، صص ۷۲-۴۹.
- سجاسی قیداری، ح.، پالوج، م.، رکن‌الدین افتخاری، ع. و صادقلو، ط. (۱۳۹۰). ارائه راهبردهای توسعه کارآفرینی کشاورزی در مناطق روستایی با استفاده از روش‌های تحلیل چند متغیره MCDM و SWOT. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، دوره ۱۹، شماره ۷۴.
- شاه حسینی، ع. (۱۳۸۵). کارآفرینی. تهران: آبیژ.
- شهرکی پور، ح.، ندری، خ. و شیرمحمدی، ر. (۱۳۸۹). بررسی رابطه بین فرهنگ سازمانی با کارآفرینی سازمانی در بین کارکنان دانشگاه لرستان. *فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، شماره چهارم.
- طوسی، ر.، جمشیدی، ع. و تقدیسی، ا. (۱۳۹۳). کارآفرینی روستایی و تعیین عوامل موثر بر آن (مطالعه‌ی موردی: روستاهای شهرستان مینودشت). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، دوره ۳، شماره ۸، صص ۱۱-۱.
- عبدالله زاده، غ.، کلاگر، پ.، محبوبی، م.ر. و عابدی سروستانی، ا. (۱۳۹۳). ملزومات راه‌اندازی کسب و کار در نواحی روستایی استان گلستان و تاثیر آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بر آن‌ها. *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۱۱۷-۱۰۳.
- فاضل بیگی، م.م. و یآوری، غ. (۱۳۸۸). تعاون روستایی سرآغازی بر توسعه کارآفرینی. *تعاون*، دوره ۲۰، شماره ۲۰۵ و ۲۰۶، صص ۶۲-۴۱.



کرد، ب. و آبتین، ع. (۱۳۹۲). بررسی عوامل موثر بر توسعه کارآفرینی روستایی در استان سیستان و بلوچستان (با تمرکز بر توسعه مراکز رشد روستایی، توسعه فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات و توانمندسازی زنان روستایی). *جغرافیا و توسعه*، شماره ۳۲، ۱۴-۱.

کریمی، س. (۱۳۹۳). کارآفرینی روستایی: چالش‌ها و فرصت‌ها. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۱، شماره ۳، صص ۱۱۹-۱۰۱. کلاگر، پ. و آقایی، م. (۱۳۹۳). بررسی نقش کارآفرینی در توسعه روستایی. *نشریه کارآفرینی در کشاورزی*، دوره ۱، شماره ۱، صص ۸۳-۶۱.

گلدوست، م.، اللهیاری، م.ص. و عابدی، م. (۱۳۹۳). غربال‌گری فازی بازدارنده‌های آموزشی توسعه کارآفرینی روستایی استان گیلان. *فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی*، شماره ۳۰، صص ۴۳-۳۱. ولائی، م.، عبدالمهی، ع.، منافی آذر، ر. و صفری، ن. (۱۳۹۴). تحلیل عوامل موثر بر توسعه پایدار روستایی با تاکید بر کارآفرینی (مطالعه موردی: دهستان مرحمت آباد شمالی- شهرستان میاندوآب). *فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای*، دوره ۵، شماره ۱۹، صص ۱۶۲-۱۴۹.

هاشمی، س.، ایمنی، س.، مطیعی لنگرودی، ح.، قدیری معصوم، م. و رضوانی، م.ر. (۱۳۹۲). توسعه کارآفرینی روستایی با تاکید بر نهادهای محلی (مطالعه موردی: بهاباد، استان یزد). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، شماره ۳، صص ۲۶-۱.

Chowdhury, M.S. (۲۰۰۷). Overcoming Entrepreneurship Development Constraints: the Case of Bangladesh, *Journal of Enterprising Communities: People and Places in the Global Economy*, ۱(۳), ۲۴۰-۲۵۱.

Dahlstrand, A.L. (۲۰۰۷). Technology-based entrepreneurship and regional development: The case of Sweden. *European Business Review*, ۱۹(۵), ۳۷۳-۸۶.

Saarenketo, S., Puumalainen, K., Kuivalainen, O., and Kylaheiko, K. (۲۰۰۹). A knowledge-based view of growth in new ventures. *European Business Review*, ۲۱(۶), ۵۳۱-۴۶.

Shane, S., and Venkataraman, S. (۲۰۰۰). The promise of entrepreneurship as a field of research. *Academy of Management Review*, ۲۵(۱), ۲۱۷-۲۲۶.

Stockdale, A., (۲۰۰۶). Migration: Pre- Requisite for Rural Economic Regeneration? *Journal of Rural Studies*, ۲۲(۳), ۳۵۴-۳۶۶.